

مقام صحابه و یاران پیامبر اسلام از دیدگاه قرآن و سنت



بخش اول

عبدالعزیز نعمانی

بعثت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وسلم در جریان تکامل دعوت پیامبران الهی و سلسله ختم نبوت به وقوع پیوست. خداوند با بعثت آن حضرت صلی الله علیه وسلم بر بندگانش اتمام حجت نمود تا با پیروی از قرآن و سنت پیامبرش راه سعادت و هدایت را برگزینند و از بوالهوسی و شیطان پرستی و مادیگری، به خداپرستی و تقوا و پرهیزگاری روی آورند. آنچه در این میان مهم می نماید، آغاز دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم در شبه جزیره عربستان و جهان شمولى آن است. فضا این مسئله توأم با یکسری حکمتها و فلسفه‌هایی است که نمی توان آن را سطحی و اتفاقی تصور نمود.

اینکه مشیت الهی در امر بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم به نفع سر نوشت قوم عرب رقم خورد و سبب شد تا خورشید هدایت بخش نبی خاتم بر جهانیان از شبه جزیره عربستان طلوع نماید خالی از حکمت نیست [«فعل الحکیم لا یخلو عن الحکمة»]. برخی این مسئله را ناشی از موقعیت خاص جغرافیایی جزیره العرب می دانند که این سرزمین با موقعیت استثنایی خود مناسب بود که مرکز دعوت جهانی قرار گیرد و ملت های جهان را مخاطب سازد؛ زیرا از یک طرف جزو قاره پهناور آسیاست و از طرفی در مجاورت قاره افریقا و اروپا واقع شده است، که همه این مناطق مرکز تمدن‌ها، فرهنگها، ادیان بزرگ و حکومت‌های مقتدر بوده‌اند. گروهی نیز برخی شاخصهای اخلاقی عرب را مهم شمرده‌اند و معتقدند با آنکه در میان عرب عهد جاهلیت، پستی‌ها و رذالت‌هایی وجود داشت و با چیزهایی درگیر بودند که عقل سلیم آنها را به رسمیت نمی شناسد، اما در عین حال، برخی مکارم اخلاقی و صفات پسندیده نیز در میان آنان حاکم بود که انسان را تحت تأثیر قرار داده و به شگفتی و امید داشت؛ از جمله در ارتباط با کرم و سخاوت‌مندی، همواره با یکدیگر در رقابت بودند و به آن افتخار می کردند و گاه از کرم و سخاوت‌مندی خویش سخن می گفتند و در اشعارشان یکدیگر را به کرم و سخامی ستودند. گرامی داشت عهد و پیمان نیز نزد قوم عرب یک آیین پذیرفته بود و سخت به آن پایبند بودند و در راه وفای به عهد حتی از جان عزیزان و ویران شدن خانه و کاشانه‌شان دریغ نمی کردند. علاوه بر این زندگی را با عزت نفس و امتناع از جفاکشی و ستم‌پذیری ترجیح می دادند.

عامل مهم دیگر، سادگی بیابان نشینی و پیراستگی از آلودگی‌های تمدن آن روز بود. قلبهای قوم عرب کاملاً پاک و صاف بود و نوشته‌های دقیق و علمی ای بر آن حک نشده بود که زدودن آن مشکل باشد. در دلها و افکار آنان چیزی جز چند نقش ساده وجود نداشت که به دست جهل و بی سوادى و زندگی بادیه نشینی رقم خورده بود، و پاک کردن و جایگزینی نقوش جدید در آن، کار ساده و آسانی بود. علاوه بر این، ظرفیت‌های علمی، فکری و موهبت‌های فطری‌شان دست نخورده باقی مانده بود و دریای فلسفه‌های تخیلی و مذاهب پیچیده کلامی اشباع نشده بود. اما بر عکس آنان، اقوام متمدن آن زمان اعم از ایرانیان، رومی‌ها و هندوها به علوم پیشرفته و تمدن‌های پر زرق و برق و فلسفه‌های پیچیده‌شان مغرور و مفتخر بودند و در دام گره‌های روانی و فکری پیچیده‌ای گرفتار شده بودند که گشودن و زدودن آنها، کار بس مشکل و طاقت فرسایی بود. از این رو آنان استعداد و ظرفیت آن را

نداشتند تا تحت تأثیر یک اندیشه و دعوت نوین قرار گیرند، گذشته خود را فراموش کنند و بدون چون و چرا به آن تن دهند.^(۱) بدون تردید مجموعه این اسباب و علل موجب گردید تا خداوند عزوجل قوم عرب را برای عهده دار شدن این رسالت جهانی و رهبری جامعه بشری و اصلاح آن برگزیند: «و الله أعلم حیث یجعل رسالته» (انعام: ۱۲۴)؛ «خداوند از همه بهتر می داند رسالت خویش را در کجا قرار دهد».

با این وصف، بعثت پیامبر مقتضی آن بود تا جانشینان و یاران آن حضرت صلی الله علیه و سلم آمادگی روحی، پاکی ضمیر، سنجایی اصیل انسانی، اندیشه بلند، همت عالی و بالاخره تقوی و پرهیزگاری فوق العاده ای داشته باشند تا بعثت پیامبر موفق باشد و شریعت محمدی حفظ شود و قرآن بدون خطا و تحریف به نسلهای آینده منتقل گردد.

عبدالله بن عباس رضی الله عنهما در تشریح آیه «و سلام علی عباده الذین اصطفی» (نمل: ۵۹) می فرماید: مصداق «بندگان برگزیده» اصحاب حضرت محمد صلی الله علیه و سلم هستند که خداوند آنان را برای حمایت پیامبر اسلام برگزید.^(۲)

و عبدالله بن مسعود رضی الله عنه درباره برگزیده شدن پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم و اصحابش می فرماید: «ان الله نظر فی قلوب العباد فوجد قلب محمد صلی الله علیه و سلم خیر قلوب العباد فاصطفاه لنفسه فابتعه برسالته، ثم نظر فی قلوب العباد بعد قلب محمد صلی الله علیه و سلم فوجد قلب أصحابه خیر قلوب العباد فجعلهم وزراء نبيه یقاتلون علی دینه»^(۳) «به تحقیق خداوند به قلبهای بندگان نظر افکند و قلب محمد صلی الله علیه و سلم را برترین قلبهای بندگان یافت، چنانکه ایشان را برای امر رسالت برگزید؛ آنگاه به قلبهای سایر بندگان نظر افکند و قلبهای یاران آن حضرت را برترین و بهترین قلبهای یافت، لذا آنان را کارگزاران پیامبرش قرار داد تا در دفاع از دین وی به مبارزه قیام کنند».

علامه محمد عبدالعظیم زرقانی این مسئله را مهم ارزیابی می نماید و در این باره می گوید: «واقعیت آن است که عقل سلیم، به دور از هوی و تعصب، هرگز امکان پذیر نمی داند که خداوند بدون حکمت، افرادی را به عنوان حاملان آخرین رسالت و شریعت خویش برگزیند که امتی ناآشنا و بی موقعیت باشند؛ ذات الهی از چنین تصویری میرا و منزّه است.»

به همین دلیل تأیید این گروه برگزیده، یعنی اصحاب پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم به نوعی دفاع از حقانیت کتاب الله (قرآن) و سنت رسول الله و اصول اساسی دین اسلام به حساب می آید، زیرا این افراد بنا بر تقدیر و مشیت الهی برای این امر مهم و بزرگ برگزیده شدند، و توهین و سوءظن نسبت به آنان در واقع عیب جویی در انتخاب و گرامیداشت خداوند قلمداد می شود، علاوه بر این چنین تصویری موجب تزلزل اساس قرآن، سنت پیامبر و دین خواهد شد. پژوهشگر تاریخ ملت عرب و آگاه به اخلاق و طبیعتشان، به وضوح درمی یابد که اصالت قومی و پاکی جوهر و مناقب و ویژگیهای عالی عربها، موجب گردید تا آنان به عنوان برترین ملت مطرح شوند.

خصوصاً پس از آنکه با اسلام پیوند خوردند و قرآن بر آنان نازل شد و پیامبر اسلام به پالایش اساسی روح و روانشان پرداخت.^(۴) از مجموع مباحث فوق چنین نتیجه می گیریم که بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم در میان قوم عرب امری تصادفی و اتفاقی نبوده، بلکه خداوند عزوجل بنا بر حکمت، محمد صلی الله علیه و سلم و اصحابش را برگزید تا به عنوان مبلغان آخرین شریعت الهی با دعوت حکیمانه و جهاد پیگیر به نشر و اشاعه اسلام بپردازند و در این راستا از هیچ گونه فداکاری مالی و جانی دریغ نورزند و نهایتاً به عنوان الگو و اسوه مورد تأسی جهانیان قرار گیرند.

اهداف بعثت پیامبر

خداوند عزوجل درباره اهداف بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم می فرماید: «لقد من الله علی المؤمنین اذ بعث فیهم رسولا من انفسهم یتلوا علیهم آیاته و یرکبهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة و ان کانوا من قبل لقی ضلال مبین» (آل عمران: ۱۶۴)؛ «به راستی که خداوند بر مؤمنان منت نهاد، آنگاه که در میان آنان از خودشان پیامبری برانگیخت که آیاتش را بر آنان می خواند و پاکشان می دارد و به آنان کتاب و حکمت می آموزاند و بی گمان پیش از آن در گمراهی ای آشکار بودند.»

در این آیه، سخن از بزرگترین نعمت الهی، یعنی نعمت «بعثت پیامبر اسلام» و اهداف رسالت آن حضرت صلی الله علیه و سلم به میان آمده است.

خداوند در آیات فوق، تحقق اهداف بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم را از منت ها و نعمت های بزرگ خویش بر می شمارد که نتیجه آن رهایی قوم عرب از جهالت و گمراهی ای آشکار است.

اولین مخاطبان وحی بهترین افراد امت اسلامی

ضمایر به کار رفته در آیه مذکور مانند: فیهم، انفسهم، علیهم، یرکبهم، یعلمهم، همه جمع و مراد از آنها اصحاب و یاران رسول الله صلی الله علیه و سلم هستند، که به عنوان اولین مخاطبان وحی، مستقیماً با رسول الله صلی الله علیه و سلم در ارتباط بودند و از تعلیم، تربیت و تزکیه ایشان فیض کامل بردند.

اگر اصحاب و یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم این آموزش ها را فراموش کرده و تزکیه نمی شدند، اهداف بعثت نبوی متحقق نشده و به سرانجام نمی رسید.

آنچه مسلم است، این است که رسول الله صلی الله علیه و سلم در تکمیل اهداف بعثتش موفق عمل کرد و توانست صحابه و یارانش را به عنوان اولین مخاطبان رسالتش به بهترین نحو تربیت و تزکیه کند و همچنین رضایتش را از آنان به عنوان حلقه وصل بین خود و نسلهای بعدی امتش اعلام دارد. بنابراین بر ما لازم و واجب است که به مقتضای عشق و محبت به نبی کریم، سرور دو عالم، محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم، به صحابه و یاران ایشان اعم از اهل بیت و تک تک تربیت یافتگان ایشان محبت بورزیم، زیرا همانگونه که پیروی از سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم بر ما واجب است، اتباع و پیروی از سنت صحابه کرام رضی الله عنهم، خصوصاً خلفای راشدین، بر ما لازم است.

حزب الله هم المفلحون» [مجادله: ۲۲]؛ «آنان کسانی هستند که خداوند ایمان را بر دل‌هایشان رقم زده و با نفعه ربانی خود یاریشان داده است و آنان را به باغهای بهشتی داخل می‌گرداند که زیر (کاخها و درختان) آنها جویبارها روان است و جاودانه در آنجا می‌مانند، خداوند از آنان خوشنود است و ایشان هم از خدا خوشنودند، آنان حزبه الله اند، همانا حزب الله قطعاً پیروز و رستگار است.»

۲- رهبری دل‌انگیز و انقلابی پیامبر اسلام

نبی اکرم صلی الله علیه و سلم که رهبر بزرگ امت اسلام، بلکه بزرگترین رهبر جهان بشریت بودند، از چنان اخلاق بلند و کمالات نفسانی و خصوصیات والا و سر و وضع آراسته‌ای برخوردار بودند که همه دل‌ها به سوی آن حضرت جذب می‌شد و همه جانها در آتش قربانی شدن در آستان آن حضرت صلی الله علیه و سلم می‌سوخت. یاران و هم‌نشینان آن حضرت، ایشان را در حکم جان در تن و روح در کالبد می‌دانستند و چنان شیفته پیامبر بودند که آن حضرت را قلب و چشم خود تصور می‌کردند.

عروه بن مسعود تقفی که در «صلح حدیبیه» به نمایندگی از اهل مکه در محضر رسول الله صلی الله علیه و سلم حاضر شده بود، وقتی به نزد اهل مکه بازگشت، خطاب به آنان گفت: ای قوم! من به دربار پادشاهانی همچون قیصر، کسری و نجاشی رفته‌ام، اما قسم به خدا پادشاهی را ندیده‌ام که اطرافیان او را آن چنان که اصحاب محمد، محمد را تعظیم و تکریم می‌کنند، گرامی بدارند! (۱)

بر اثر همین عشق و علاقه شدید و خاطر خواهی اصحاب و یاران آن حضرت صلی الله علیه و سلم بود که هر یک از آنان حاضر بود سر از تنش جدا شود اما به پای مبارک آن حضرت خاری نخلد.

۳- احساس مسؤولیت

صحابه پیامبر گرامی اسلام، مسؤولیت مهم و سنگینی را که بر دوش بشریت نهاده شده است، به طور کامل احساس می‌کردند و باور داشتند که به هیچ وجه نمی‌توانند از این مسؤولیت شانه خالی کنند؛ زیرا معتقد بودند که پیامدهای فرار از این مسؤولیت، بسیار وخیم‌تر از آن شکنجه و فشاری است که در راستای تحمل این بار مسؤولیت می‌بینند؛ و خساراتی که بر اثر فرار از این مسؤولیت، به آنان و متعاقباً به جهان بشریت خواهد رسید، به هیچ وجه با سختی‌هایی که در جهت تحمل این مسؤولیت با آن درگیرند، قابل مقایسه نیست.

حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه، پس از وفات رسول الله صلی الله علیه و سلم، در زمان اعزام سپاه اسامه رضی الله عنه فرمودند: «والذی نفس ابی بکر بیده لو ظننت أن السباع تخطفنی لأنفذت بعث أسامة كما أمر به رسول الله صلی الله علیه و سلم و لو لم یبق فی القری غیری لأنفذته»؛ «قسم به خدایی که جان ابوبکر در دست اوست، اگر بیم آن بود که درندگان مرا طعمه خود خواهند کرد باز هم سپاه اسامه را چنانکه رسول الله صلی الله علیه و سلم امر کرده بود برای جهاد اعزام می‌کردم. و اگر در این آبادی ها کسی جز من باقی

زیر آنان حنقه وصل بین ما و حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم هستند و آنچه از ایمان، دین و علوم نبوت به ما رسیده است ثمره اخلاص، مجاهدت و تلاشهای خستگی ناپذیر آنان برای پاسداری و ترویج قرآن و سنت در سراسر گیتی است و امت اسلامی تا قیام قیامت مرهون آنان بوده و خواهد بود.

عوامل تربیت و تکامل اصحاب پیامبر

رسول اکرم صلی الله علیه و سلم با روش حکیمانه و اسلوب تربیتی بی نظیر خویش که ساختار عقیده و ایمان را اساس کار خویش قرار داد، موفق به تربیت و ساختن نسلی بی نظیر و بی همتا شد؛ نسلی که منشأ بزرگترین و عمیق‌ترین تحول در دنیا گردید؛ نسلی که با الهام گرفتن از «لا اله الا الله» و تبلور ایمان و عقیده جازم، مصدر هر فضیلت و سبب نجات جهانیان از احساس پستی و زبونی شد؛ آنان پدید آورندگان شگفتیها و تعجیبی شدند که در طول تاریخ بی همتا می‌باشند.

با توجه به اینکه صحابه پیامبر اسلام از نخستین مسلمانان صدر اسلام بودند به شدت مورد تعقیب، فشار و شکنجه و آزار مشرکان قرار گرفتند. اما آنان با آنهمه آزار و اذیتی که دیدند همچنان در این صحنه با شجاعت و رشادت تا پای جان ایستادند، تا آنجا که عده‌ای از آنان با وضعیتی اسفناک به شهادت رسیدند، و همگام با پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم در راستای دفاع از کیان اسلام و اعلائی کلمه الله، مبارزه و فداکاری نمودند و فرازهای درخشانی از ایشان، خودگذشتگی، تقوی و پرهیزگاری و شهامت و شهادت را در تاریخ اسلام به ثبت رساندند.

براستی چه عواملی سبب شد تا صحابه پیامبر اسلام به مقام والایی از ایمان و عمل نایل گردند و در مقابل آزارها و شکنجه‌های سنگین دشمنان اسلام از خود شکیبایی نشان دهند و در مقابل فشارهای سهمگین آنان تاب آورند؟ برخی از این عوامل را اینگونه می‌توان برشمرد:

۱- ایمان و یقین راستین به ذات الهی

صحابه پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم با ایمان و اعتقاد به الوهیت و عظمت الله و اعتقاد به اینکه تنها قادر مطلق و توانای حقیقی آن ذات است و علم و قدرت، تدبیر و مشیت، ملک و جبروت، و رحمت و مغفرتش بر تمام اجزای هستی و ذرات جهان فراگیر است و آنان نیز بندگان هستند که جان و روح و روان خویش را به او داده‌اند و هر لحظه طالب رضای الهی اند و از موجبات خشمش گریزانند، توانستند مرتفع‌ترین قله‌های اطاعت و بندگی و انقیاد و فرمانبرداری را فتح نمایند. آنان در حقیقت خواسته‌ها و آرزوهایشان را به فراموشی سپردند و خود را از انگیزه‌های نفسانی، شهوت پرستی و مادیگری رها کردند و جز رضای حق، چیز دیگری را هدف قرار ندادند، چنانکه خداوند در توصیفشان می‌فرماید: «اولئک کتب فی قلوبهم الایمان و ایدهم بروح منه و یدخلهم جنات تجری من تحتها الأنهار خالدین فیها رضی الله عنهم و رضوا عنه اولئک حزب الله الا ان

نمی مانند باز هم این سپاه را روانه می ساختم.»

۴- ایمان به آخرت

ایمان به آخرت نیز احساس مسؤولیت یاران رسول اکرم صلی الله علیه وسلم را تقویت می کرد. آنان به اینکه روزی در پیشگاه خداوند عزوجل خواهند ایستاد و در قبال اعمال کوچک و بزرگشان حساب پس خواهند داد، و آنگاه یا به سوی بهشت و نعمت های جاویدان سوق داده خواهند شد و یا به سوی عذاب همیشگی و جهنم، یقین قطعی داشتند. این بود که همواره شب و روز زندگانی خود را در میان بیم و امید می گذراندند، امید به رحمت الهی و بیم از عذاب الهی. چنانکه قرآن در توصیفشان می فرماید: «و الذین یؤتون ما اتوا و قلوبهم و حلة انهم الی ربهم راجعون» [مؤمنون: ۶۰]؛ «و کسانی که هر چه از آنان خواسته شده است انجام می دهند، اما در عین حال دلپایشان ترسان و هراسان است از اینکه باید به خدای خویش ببینوند.»

آنان به وضوح می دانستند که دنیا با همه سختیها و دشواریهایش در قیاس با آخرت به اندازه پشیزی نمی ارزد و این شناخت نیرومند، سختی ها و تلخیهای گرفتاریهای دنیا را برای آنان آسان می گردانید، به گونه ای که اصلاً به آن اهمیتی قایل نبودند.

۵- قرآن کریم

در اثنا این تنگناهای تاریک و هولناک و در کشاکش این بحران ها، سوره ها و آیات قرآن کریم نیز به اسلوب منحصر به فرد و دلپذیری، یکی پس از دیگری نازل می شدند و در جهت اثبات راستی و درستی اصول و مبانی اسلام که دعوت اسلام بر پایه آنها صورت می پذیرد، دلایل قوی و براهین محکمی اقامه می کردند و مسلمانان را به سوی اندیشه های بنیادینی که خداوند ترسیم فرموده بود، رهنمون می شدند، و احساسات و عواطف و انگیزه های درونی مسلمانان را به سوی صبر و شکیبایی سوق می دادند. همچنین آیات قرآنی در برابر ایرادها و شبهه های کافران و معاندان پاسخهای دندان شکن ارائه می کردند و راه را بر روی آنان می بستند، چنانکه گاه مخالفان دعوت اسلام را از پیامدهای هولناکی که در صورت اصرار ورزیدن بر لجاجت و ضلالت خویش دامنگیر آنان خواهد گردید، به وضوح بر حذر می داشتند و در این ارتباط به ایام الله و شواهد تاریخی دال بر اجرای سنت های الهی درباره دوستان و دشمنان خدا، استدلال و استناد می کردند و گاه از در ملاحظت و نرمش درمی آمدند و از راه های مختلف به ارشاد، تفهیم و توجیه مخالفان می پرداختند تا از آن ضلال مبین که در آن فرو رفته اند، رهایی یابند.

قرآن کریم مسلمانان را به عالم دیگری منتقل می گردانید و صحنه هایی از شکوه و جلال آفرینش و جمال ربوبیت و کمال الوهیت و آثار رحمت و رأفت خداوند و مظاهر خشنودی و رضایت حق تعالی را به آنان نشان می داد و آن چنان آنان را شیفته و مشتاق آن عالم دیگر می گردانید که هیچ مانعی نمی توانست سر راه آنان پابر جا بماند و سد راه آنان شود.

۶- مژده های پیروزی

مسلمانان صدر اسلام (صحابه گرامی پیامبر) از همان آغاز که در راه اسلام دچار تنگناها و فشارها و سختی ها شدند و حتی پیش از آن نیز به خوبی می دانستند که وارد شدن به اسلام لزوماً به معنای گرفتار شدن به قتل و غارت و ظلم و ستم نبوده و نیست، بلکه دعوت اسلام از نخستین روز، از میان بردن جاهلیت و قلع و قمع آثار و ساقط کردن نظام غیر انسانی آن را هدف گرفته است، و از جمله دستاوردهای دنیوی آن گسترش نفوذ دین الهی در سراسر جهان، و در دست گرفتن سر رشته سیاست و هدایت در عالم بشریت به منظور رهبری امت انسانی و جامعه بشری در راستای خشنودی خداوند و منتقل گردانیدن همگان از پرستش و ستایش بتان و بندگان به پرستش و عبادت خداوند جهانیان است.

قرآن کریم گاه از این بشارت ها و مژده ها به صراحت سخن گفته است و گاه در قالب کنایه و اشاره. در آن روزگاران طاقت فرسا که عرصه بر مسلمانان شدیداً تنگ شده و خفقان جانکاهی بر زندگی آنان سایه افکنده بود، قرآن کریم با صراحت کامل پیروزی مسلمانان را بر جبهه های مخالف نوید می داد: «و لقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین انهم لهم المنصورون و ان جندنا لهم الغالبون» [اصافات: ۱۷۳-۱۷۱]؛ «فرمان ما از دیر باز درباره بندگان و فرستادگان ما صادر شده است؛ آنان فضا پیروز خواهند شد، و همانا لشکریان ما چیره خواهند گردید.»

«الا ان اولیاء الله لا خوف علیهم و لا هم یحزنون الذین آمنوا و کانوا یفتنون لهم البشری فی الحیة الدنیا و فی الآخرة لا تبدل لکلمات الله ذالک هو الفوز العظیم» [یونس: ۶۴-۶۲]؛ «همانا دوستان خداوند ترسی بر آنان نیست و غمگین نمی گردند. آن کسانی که ایمان آورده اند و تقوایش کرده اند، برای آنان در دنیا و آخرت بشارت است. سخنان خدا تخلف ناپذیر است، این است آن رستگاری بزرگ.»

در پرتو این بشارت ها و مژده های کارساز، در ارتباط با آینده ای درخشان و باشکوه در همین زندگانی دنیا و در کنار آن، امیدواری راستین و عمیق نسبت به پایان خوش زندگی در این جهان و رسیدن به سعادت ابدی و کامرانی در بهشت، صحابه رسول اکرم صلی الله علیه وسلم برآستی و روشنی می دیدند و در می یافتند که آن فشارها و شکنجه ها و آزارها که از هر سوی به آنان هجوم می آوردند، نکه ابری تابستانه بیش نیست که پس از دقایقی پاره پاره و پراکنده می گردد.

علاوه بر این حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم پیوسته روح و روان یاران خویش را با انقباس ایمانی تغذیه و با تعلیم حکمت و قرآن تزکیه می نمودند و با دقت هر چه تمامتر به تربیت آنان می پرداختند و جانهای آنان را منزل به منزل در راستای اعتلای روح، پاکی قلب، رهایی از سیطره مادیات، مقاومت در برابر شهوات و پیوستگی به خدای آسمان و زمین پیش می بردند، و آتش عشق را در سینه آنان همواره شعله ور نگه داشته و آنان را به شکیبایی و صبر در برابر آزار و شکنجه مشرکان توصیه می کردند. نتیجه این تربیت ربانی این بود که یاران آن حضرت صلی الله علیه وسلم، در دین راسخ تر،

حضرت جابر رضی الله عنه می فرماید: تعداد اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم در روز صلح حدیبیه به هزار و چهارصد نفر می رسید، در آن هنگام رسول اکرم صلی الله علیه وسلم خطاب به ما فرمود: «أنتم اليوم، خیر اهل الارض»^(۱) «امروز شما برترین مردم اهل زمین هستید.»

صحابه مؤمنان راستین

خداوند عزوجل در توصیف ایمان و تقوای صحابه پیامبر می فرماید: «و لكن الله حبب اليكم الايمان و زينه في قلوبكم و كره اليكم الكفر و الفسوق و العصيان أولئك هم الراشدون فضلاً من الله و نعمة و الله عليم حكيم» (احجرات: ۸-۷)؛ «خداوند ایمان را در نظران گرامی داشته است و آن را در دلهايتان آراسته است و کفر و نافرمانی و گناه را در نظران زشت و ناپسند جلوه داده است، فقط آنان (که دارای این صفات هستند، یعنی ایمان در نظرشان محبوب و مزین، و کفر و فسق و عصیان در نظرشان منفر و مطرود است) راهیابند و بس. این لطف و نعمتی از سوی خداست، و خداوند دارای آگاهی فراوان و فرزاندگی بی شمار است (می داند چه کسی شایسته هدایت، و بایسته مرحمت و نعمت است).»

«فان آمنوا بمثل ما أمتم به فقد اهتدوا و ان تولوا فانما هم في شقاق فسيكفبكم الله و هو السميع العليم» (بقره: ۱۳۷)؛ «اگر آنان (مشرکان، یهودیان و نصرانیان) ایمان بیآورند آن چنان که شما (اصحاب پیامبر) ایمان آورده اید و بدان چیزهایی که شما ایمان دارید، ایشان نیز ایمان داشته باشند، بی گمان (به راه درست خدایی) رهنمود گشته اند، و اگر پشت کنند پس راه اختلاف و دشمنی را در پیش گرفته اند، خداوند تو را بسنده خواهد بود و او ذاتی شنوا و دانا است.»

در آیه فوق به وضوح خداوند عزوجل ایمان اصحاب پیامبر را الگو و معیار برای ایمان پیروان سایر ادیان، اعم از یهودیان و مسیحیان مقرر کرده و از آنان به نام هدایت یافتگان راه حق یاد کرده است که برای سایرین به منزله مشعل فروزان صراط مستقیم اند.

صحابه مظهر ایثار و فداکاری

هجرت، جهاد، ایثار و فداکاری در راه دین از صفات بارز صحابه گرامی پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم است، چنانکه قرآن می فرماید: «و الذين آمنوا و هاجروا و جاهدوا في سبيل الله و الذين آووا و نصرؤا أولئك هم المؤمنون حقا لهم مغفرة و رزق كريم» (انفال: ۷۴)؛ «بی گمان کسانی که ایمان آورده اند و مهاجرت کرده اند و در راه خدا جهاد کرده اند و همچنین کسانی که (به مهاجرین) پناه داده اند و یاری کرده اند (آنان را، هر دو گروه) آنان حقیقتاً با ایمانند، برای آنان آمرزش (گناهان) و روزی شایسته (در بهشت جاویدان) است. «الذين آمنوا و هاجروا و جاهدوا في سبيل الله بأموالهم و أنفسهم اعظم درجة عند الله و أولئك هم الفاترون. يشرهم ربهم برحمة منه و رضوان و جنات لهم فيها نعيم مقيم. خالدین فيها أبداً ان الله عنده اجر عظيم» (توبه: ۲۰-۲۲).

خداوند عزوجل در این آیات نیز مهاجرین و انصار را به رحمت

از شهوات دورتر، در جهت کسب خشنودی خداوند فعال تر، در رسیدن به بهشت مشتاق تر، در تحصیل علم و دانش حریص تر، در امر دین فقیه تر، در سلوک عارف تر و وارسته تر، بر عواطف و انگیزه های درونی خویش چیره تر و غالب تر، بر احساسات و هیجانات درونی خویش مسلط تر و به شکیبایی و وقار مقیدتر گردیدند.^(۲)

چنانکه حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه در توصیفشان می فرماید: «أولئك اصحاب محمد صلی الله علیه وسلم، كانوا أفضل هذه الأمة، أبرها قلوباً و أعمقها علماً، و أقلها تكلفاً، اختارهم الله لصحبة نبيه و لإقامة دينه، فاعرفوا لهم فضلهم و اتبعوا لهم على آثارهم؛ و تمسكوا بما استطعتم من أخلاقهم و سيرهم، فانهم كانوا على الهدى المستقیم»^(۳) «اصحاب محمد صلی الله علیه وسلم برترین افراد این امت بودند؛ قلبهایشان پاکیزه تر، علمشان عمیق تر، و تکلفشان اندک تر بود. خداوند آنان را برای مصاحبت پیامبر و اقامه دینش برگزید، از این رو مقام آنان را پاس بدارید و از روش آنان پیروی تمایذ و در حد توان اخلاق و سیرتشان را الگوی خویش بسازید، چه آنان بر راه مستقیم هدایت قرار داشتند.»

مقام اصحاب در قرآن

آیات متعددی در قرآن کریم وجود دارند که بیانگر مقام والا و فضایل معنوی و اخلاقی اصحاب پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم هستند. در اکثر این آیات تصریح شده که اصحاب رسول اکرم صلی الله علیه وسلم به تکامل ایمان، تقوا و نهایت مجاهده و اخلاص نایل شدند و با ییکار با دشمنان دین و یاری پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم، موجبات رضایت و خشنودی و بخشش خداوند عزوجل را فراهم کردند و نهایتاً به سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت رسیدند.

صحابه بهترین امت:

۱- «كتم خير أمة أخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنكر و تؤمنون بالله» (آل عمران: ۱۱۰)؛ «شما بهترین امتی هستید که به سود انسانها (و برای خیرخواهی جامعه بشری) آفریده شدید، امر به معروف و نهی از منکر می نماید و به خدا ایمان دارید.»

«و كذلك جعلناكم أمة وسطاً لتكونوا شهداء على الناس» (بقره: ۱۴۳)؛ «و بی گمان شما را امتی میانه رو کرده ایم تا گواهانی بر مردم باشید.» بدون تردید مخاطبان اولیه و مصداق حقیقی این دو آیه، صحابه گرامی رسول اکرم صلی الله علیه وسلم هستند، گرچه مفهوم این آیات سایر افراد امت را نیز بر حسب صلاحیت و عملکردشان شامل می شود. «كتم خير أمة» بدان جهت ویژگی اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم قرار گرفته که آنان به هدف عالی خلقت انسان که همانا شناخت و پرستش خدای عالمیان است، پی برده و از اندیشه های محدود و محیط های بسته قومی و نژادی بیرون آمده و حامل رسالتی جهانی شدند. آنان نخستین کسانی بودند که در پرتو ایمان و دعوت پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم به فریضه مهم امر به معروف و نهی از منکر پرداختند.

بی پایان خود و اینکه از آنان راضی و خشنود است و باغهای بهشتی که در انتظار آنان است، بشارت می دهد.

صحابه آمرزیدگان الهی

صحابه انسانهایی وارسته اما با خوی و خصلتهای بشری بودند و همانند انبیا و ملائکه معصوم نبودند. آنان از این فرموده پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم که «کل بنی آدم خطاء» استثناء نبودند و چه بسا برخی از آنان مرتکب لغزشات و گناهانی شدند و در مواردی نیز مورد عتاب و سرزنش خداوند نیز قرار گرفتند، اما با وجود این، به شهادت آیات قرآن کریم، مورد عفو و بخشش خداوند عزوجل قرار گرفتند: «محمد رسول الله و الذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم تراهم رکعاً سجداً یبتغون فضلاً من الله و رضواناً سیماهم فی وجوههم من اثر السجود ذلک مثلهم فی التوراة و مثلهم فی الانجیل کزرع اخرج شطأً فآزره فاستغلظ فاستوی علی سوقه یعجب الزراع لیغیظ بهم الکفار و عد الله الذین آمنوا و عملوا الصالحات منهم مغفرة و أجراً عظیماً» [فتح: ۲۹]؛ محمد فرستاده خدا است، و کسانی که با او هستند در برابر کافران تند و سرسخت، و نسبت به یکدیگر مهربان و دلسوزند. ایشان را در حال رکوع و سجود می بینی. آنان همواره فضل خدای را می جویند و رضای او را می طلبند. نشانه ایشان بر اثر سجده در پیشانیهایشان نمایان است. این، توصیف آنان در تورات است، و اما توصیف ایشان در انجیل چنین است که همانند کشتزاری هستند که جوانه های (خوشه های) خود را بیرون زده، و آنها را نیرو داده و سخت نموده و بر ساقه های خویش راست ایستاده باشد، بگونه ای که بزرگران را به شگفت می آورد. (مؤمنان نیز همین گونه اند. آنی از حرکت باز نمی ایستند، و همواره جوانه می زنند، و جوانه های پرورش می یابند و بارور می شوند، و باغبانان بشریت را بشگفت می آورند. این پیشرفت و قوت و قدرت را خدا نصیب مؤمنان می کند) تا کافران را به سبب آنان خشمگین کند. خداوند به کسانی از ایشان که ایمان بیاورند و کارهای شایسته بکنند آمرزش و پاداش بزرگی را وعده می دهد.

خلاصه آنکه آیات قرآن و احادیث نبوی بیانگر آن است که خطاها و لغزشهای اصحاب رسول اکرم صلی الله علیه وسلم مورد آمرزش قطعی خداوند عزوجل قویتر گرفته است، به گونه ای که هیچ یک از آنان سزاوار عذاب الهی نمی گردند.

اظهار رضایت خداوند از صحابه

خداوند عزوجل در آیات متعددی از صحابه گرامی پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم اعلام رضایت و خشنودی کرده است. باید توجه داشت که رضایت از طرف ذاتی اظهار شده که آفریننده همه موجودات است و قبل از تولد هر انسان، بر تمام حرکات و اعمال و سننات و حسنات او کاملاً آگاه است، لذا بشارتی را که خداوند درباره خشنودی کامل و بدون قید و شرط خویش از اصحاب گرامی پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم اعلام می نماید، با آگاهی کامل و با توجه به همه وقایعی بوده که در زمان حیات رسول اکرم صلی الله علیه وسلم و پس از آن اتفاق افتاده است؛ چنانکه شیخ الاسلام ابن تیمیه

می فرماید: «خداوند از بنده ای اظهار رضایت می نماید که به وضوح می داند آن بنده تا آخر عمرش در صدد فراهم آوردن موجبات رضایت خداوند است و کسی که خداوند از او راضی باشد، پاداشش بهشت برین است، و خداوند هرگز از او ناخشنود نخواهد شد.» (۱۰) (الف): «و السابقون الاولون من المهاجرین و الانصار و الذین اتبعوهم باحسان رضی الله عنهم و رضوا عنه و أعد لهم جنات تجری تحتها الأنهار خالدین فیها ابدأ ذلک الفوز العظیم» [توبه: ۱۰۰]؛ «پیشگامان نخستین مهاجرین و انصار و کسانی که به نیکی روش آنان را در پیش گرفته اند و راه ایشان را به خوبی پیمودند، خداوند از آنان خشنود است و ایشان هم از خداوند خشنوداند و خداوند برای آنان بهشت را آماده ساخته است که در زیر (درختان و کاخهای) آن رودخانه ها جاری است و جاودانه در آنجا می ماند. این است پیروزی بزرگ.»

(ب): «لقد رضی الله عن المؤمنین اذ یبایعونک تحت الشجرة فعلم ما فی قلوبهم فأنزل السکینة علیهم و اثنیهم فتحاً قریباً و مغنم کثیرة یأخذونها و کان الله عزیزاً حکیماً» [فتح: ۱۸-۱۹]؛ خداوند از مؤمنان راضی گردید همان دم که در زیر درخت با تو بیعت کردند. خدا می دانست آنچه را که در درون دلهایشان (از صداقت و ایمان و اخلاص و وفاداری به اسلام) نهفته بود، لذا اطمینان خاطر می به دلهایشان داد. و فتح نزدیکی را (گذشته از نعمت سرمدی آخرت) پاداششان کرد. همراه با غنیمتهای بسیاری که آن را بدست خواهند آورد. خداوند چیزی شکست ناپذیر و فرزانه ای است که کارهایش بر اساس حکمت است. (ج): «اولئک کتب فی قلوبهم الایمان و ایدهم بروح منه و یدخلهم جنات تجری من تحتها الأنهار خالدین فیها رضی الله عنهم و رضوا عنه اولئک حزب الله الا ان حزب الله هم المفلحون» [مجادله: ۲۲]؛ «آنان کسانی هستند که خدا ایمان را بر صفحه قلبهایشان نوشته و با نفخه ربانی خود یاریشان داده است، و آنان را در باغهایی از بهشت داخل می گرداند که جویبارها از زیر درختانش جاری است، جاودانه در آنجا می مانند. خدا از آنان خشنود، و ایشان هم از خدا خشنوداند، آنان حزب الله اند، قطعاً حزب الله پیروز است.»

در کنار مواهب مادی قیامت و جنات و قصور، بزرگترین پاداش روحانی ای که به این گروه از مؤمنان داده می شود، خشنودی خداوند از آنان است، این رضایت و خشنودی مولا و معبودشان که آنان را پذیرفته و در کف حمایت خویش قرار داده، لذتبخش ترین احساسی است که به آنان دست می دهد و نتیجه اش خشنودی کامل آنان از خداوند است.

آری هیچ نعمتی به پایه این خشنودی دو جانبه نمی رسد. و این کلیدی است برای مواهب و نعمتهای دیگر، چرا که وقتی خدا از کسی خشنود باشد هر چه تقاضا کند به او می دهد، که او هم کریم است و هم قادر و توانا.

تعبیر «رضی الله عنهم و رضوا عنه» که تعبیر و کلام الهی است بسیار زیبا و بلند است؛ یعنی آنان چنان مقامشان بالا رفته است که نامشان در کنار نام خدا، و رضایتشان در کنار رضایت او قرار گرفته است. و در آخرین مرحله به صورت یک اعلام عمومی که حاکی از

آذانی فقد آذی الله فیوشک أن يأخذه» دربارهٔ اصحاب من از خدا بترسید! دربارهٔ اصحاب من از خدا بترسید! و آنان را بعد از (وفات) من، هدف (تهمت و ناسزا) قرار ندهید. هر کس آنان را دوست می‌دارد به خاطر محبت با من، آنان را دوست می‌دارد. و هر کس با آنان بغض بورزد با بغضی که از من (در سینه اش) دارد با آنان بغض می‌ورزد. هر کس آنان را بیازارد، او در حقیقت مرا آزرده، و کسی که مرا بیازارد، بی‌تردید خدا را آزرده و کسی که خدا را بیازارد، خداوند به زودی از او انتقام خواهد گرفت.

مجموعهٔ روایات فوق بر مقام والا و مناقب ویژهٔ اصحاب پیامبر اسلام صلی الله علیه و سلم دلالت دارند که آنان بر اثر مجاهده و فداکاری مستمر در راه اعتلای پرچم اسلام از مقربان و خاصان درگاه حق قرار گرفتند، تا آنجا که ناسزاگویی و بدبینی نسبت به آنان باعث آیدای روح گرامی رسول اکرم صلی الله علیه و سلم می‌شود و موجبات خشم و نارضایتی خداوند عز و جل را فراهم می‌سازد.



نعمت و موهبت دیگری است می‌فرماید: «آنان حزب الله اند، بدانید حزب الله پیروز است.»^(۳)

مناقب اصحاب در پرتو احادیث

روایات و احادیث متعددی از رسول اکرم صلی الله علیه و سلم دربارهٔ مناقب و ویژگیهای یارانش نقل شده است که مفهوم کلی آنها اظهار رضایت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم از آنان است. در برخی روایات رسول اکرم صلی الله علیه و سلم به آنان بشارت بهشت داده و از تعرض نمودن و هدف قرار دادن آنان بر حذر داشته است:

۱- قال رسول الله صلی الله علیه و سلم: «خیر الناس قرنی ثم الذین یلونهم، ثم الذین یلونهم، ثم یأتی قوم من بعد ذلك تسبق ایمانهم شهاداتهم أو شهاداتهم ایمانهم»^(۴) رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند: «بهترین مردم، کسانی هستند که در قرن من زندگی می‌کنند، سپس کسانی که بعد از آنان می‌آیند و سپس کسانی که بعد از آنان می‌آیند. پس از آنان افرادی خواهند آمد که قبل از گواهی دادن، قسم می‌خورند و یا قبل از قسم خوردن، گواهی می‌دهند.»

در این روایت به عدالت، درستکاری و صداقت اصحاب پیامبر صلی الله علیه و سلم اشاره شده است که طبع و خوی آنان از تزویر و فریبکاری پاکیزه است و به خدا و پیامبر و جهان آخرت ایمان کامل دارند و از این رو به خاطر منافع اندک دنیوی به ناحق گواهی نمی‌دهند و قسم نمی‌خورند.

۲- قال رسول الله صلی الله علیه و سلم: «ان بنی اسرائیل تفرقت علی ثنتین و سبعین ملة و تفرق امتی علی ثلاث و سبعین ملة، کلهم فی النار الا ملة واحدة. قالوا: من هی یا رسول الله؟ قال: ما انا علیه و اصحابی»

رسول اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند: بنی اسرائیل به هفتاد و دو گروه تقسیم شدند و امت من به هفتاد و سه گروه تقسیم خواهد شد که همه شان به آتش (جهنم) می‌روند، مگر یک گروه، پرسیدند آن گروه چه کسانی هستند ای رسول خدا؟ فرمودند: آنانی که روش من و یارانم را بر می‌گزینند.»

در حدیث صحیح دیگری، رسول اکرم صلی الله علیه و سلم وجود اصحاب خویش را سبب امنیت و هدایت امت اسلامی بیان فرموده است که لازمهٔ آن پیروی از اصحاب رضی الله عنهم است، زیرا آنان هدایت یافتگان و تربیت شدگان مکتب آن حضرت صلی الله علیه و سلم هستند.

۳- عن ابی سعید الخدری رضی الله عنه قال قال رسول الله صلی الله علیه و سلم: «لا تسبوا أصحابی، فوالذی نفسی بیده لو أن أحدکم أنفق مثل أحد ذهباً ما أدرك مد أحدهم ولا نصیفه» اصحاب مرا دشنام ندهید، قسم به ذاتی که جانم در قبضهٔ اوست اگر فردی از میان شما (امت) همسنگ کوهی را پرتاب کند به پادشاه صدقه مد و یا نصف مد اصحاب من نمی‌رسد.

۴- قال رسول الله صلی الله علیه و سلم: «الله الله فی أصحابی، الله الله فی أصحابی، لا تتخذوهم غرضاً بعدی، فمن أحبهم فبحبی أحبهم و من أبغضهم فببغضی أبغضهم و من آذاهم فقد آذانی و من

پیوسته ۱: منابع و مراجع

- ۱- ندوی، ابوالحسن علی، السیرة النبویة، ص: ۴۲. دار ابن کثیر ۱۴۲۰هـ. ۱۹۹۹م.
- ۲- بغوی، حسین بن مسعود، شرح السنة، ج ۷، ص: ۱۷. دار الکتب العلمیه ۱۴۱۲هـ.
- ۳- امام احمد، مسند الامام احمد بن حنبل، ج ۱، ص: ۶۲۶. شمارهٔ روایت (۳۵۸۹). دار احیاء التراث العربی ۱۴۱۴هـ. ۱۹۹۳م.
- ۴- زرکانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن ج ۱، ص: ۳۳. دار احیاء التراث العربی.
- ۵- مسند امام احمد بن حنبل، ج ۵، ص: ۴۳۰. شمارهٔ روایت (۱۸۴۴۹). دار احیاء التراث العربی ۱۴۱۴هـ.
- ۶- ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۶، ص: ۳۰۸. دار الکتب العلمیه ۱۴۰۷هـ.
- ۷- ر. ک. خورشید نوبت، (الرحیق المختوم) صص: ۲۵۰، ۲۶۵. تألیف، شیخ صفی الرحمن مبارکفوری ترجمه: دکتر محمد علی لسانی فشارکی. نشر احسان - چاپ اول ۱۳۸۱ش.
- ۸- خطیب تبریزی، مشکاة المصابیح، ج ۱، ص: ۱۰۱. شمارهٔ روایت (۱۹۳). دار الفکر ۱۴۱۲هـ. خلیه ج ۳۰۵-۱.
- ۹- مسلم، الجامع الصحیح، ص: ۷۹۶. شمارهٔ روایت (۴۸۱۱). دار الکتب العربی ۱۴۲۵هـ.
- ۱۰- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، الصارم المسلول علی شاتم الرسول، ص: ۵۷۳. عالم الکتب ۱۴۰۳هـ.
- ۱۱- ر. ک. تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص: ۲۷۱. انتشارات - دار الکتب الاسلامیه ۱۳۶۸ش.
- ۱۲- بخاری، الجامع الصحیح، ج ۳، ص: ۲۰۹. شمارهٔ روایت (۲۶۵۲). دار الکتب العلمیه ۱۴۱۲هـ.